

پَر

آرام، آرام می آیی
بر نوک پاها
درست وقتی رویا
صدای پایت را می شنود

چشم هایت خمار منند
وقتی گربه وار
زیر لحافم می خزی
خواب و بیدار
حریر خوابم را می بوسی

در فاصله ی رساندن دست هایت
به دور گردنم
روی بالش من به خواب می روی

میان خواب و بیداری
به محض خالی شدن از رویا
پُر می شوم از تو

A FEATHER *for Sapieda*

Just as my dream
hears the sound of your steps,
that's when you enter
quietly, quietly on tiptoe.

You crawl under the sheet
like a kitten, your eyes
drinking me in.
Asleep or awake,
you lap the silk of my dreams.

In the moment it takes
to put your arms round my neck,
you're fast asleep on the pillow.

And I, half-asleep, half-awake,
just when I am drained of dream,
am filled with you and replenished.